

کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری در آتن



شماره ۵۸۷، دوره هشتم
سال هفدهم، ۲۱ تیرماه ۱۳۷۹

دو سال گذشته صورت می گرفت، به دلیل موضوع مورد بحث آن، و همچنین شرایط متحول مبارزات خلق ها و نیروهای ترقی خواه در جهان، مورد توجه ویژه محافل بین المللی قرار گرفت. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، به دعوت رهبری حزب کمونیست یونان، که

آتن، پایتخت یونان، در اولین روزهای تیرماه جاری، صحنه یکی از مهم ترین گردهمایی های احزاب کمونیستی - کارگری جهان در سال های اخیر بود. شصت حزب کمونیستی - کارگری از چهل و هفت کشور جهان در خلال سه روز بحث به بررسی و تبادل نظر در باره مبارزه خلق ها و سیاست اتحادهای مبارزاتی پرداختند. کنفرانس اخیر، که به دنبال گردهمایی های مشابه در

ادامه در صفحه ۸

بخش هایی از سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری در صفحات ۴ و ۵

کالبد شکافی عملکرد «رهبر» در برخورد با مبارزات بر حق دانشجویان «این ۱۸ تیرماه، ۱۶ آذر ماست!» مبارزه آزادی خواهانه دانشجویان قهرمان میهن مان، ادامه دارد! «دانشجو، جامعه، اتحاد، اتحاد!»

«نامه مردم» در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۷۸ با عنوان «ارتجاع در تدارک یورش به جنبش دانشجویی»، هشدار داد: «مبارزه اوج گیرنده جنبش دانشجویی در دو سال گذشته، یکی از نگرانی های جدی نیروهای ارتجاعی و واپس گرای حاکم بوده است. یورش های متعدد به تجمع های دانشجویی، به راه انداختن بسیج دانشجویی، به عنوان نیروی شبه نظامی ارگان های سرکوبگر، و تحریک تبلیغاتی روزنامه های مدافع ارتجاع، همچون «کیهان»، «رسالت» و «جمهوری اسلامی»، بر ضد تشکل های دانشجویی، بخشی از توطئه های حساب شده برای ارعاب دانشجویان ... است.»

• عصر روز پنجشنبه ۱۷ تیرماه ۷۸، دانشجویان دانشگاه تهران تصمیم می گیرند در مخالفت با تصویب لایحه مطبوعات و تعطیل روزنامه «سلام»، تظاهراتی ترتیب دهند. ساعت ۲۲ روز پنجشنبه، دانشجویان کوی دانشگاه تهران، با شعارهایی در انتقاد از مجلس تا تقاطع خیابان جلال آل احمد راه پیمایی کردند و برگشتند. جمعه ۱۸ تیرماه، سردار نظری با نیروی ضد شورش به کوی دانشگاه می رسد و در ساعت ۴ صبح هجوم وحشیانه خود را به داخل «کوی» آغاز می کند. ده نمکی چاقوکش معروف «ولی فقیه» رهبری عملیات انصار حزب الله را به عهده می گیرد. شیشه ها شکسته شد، درها از جا کنده شد، وسایل

ادامه در صفحه ۶

ضرورت هوشیاری جنبش مردمی در برابر توطئه های رنگارنگ و پیچیده ارتجاع و استبداد حاکم جلسه فوق العاده برای بررسی بحران تعمیق یابنده رژیم «ولایت فقیه» استبداد در صدد مهار کردن و به انحراف کشاندن جنبش است!

نمی توانیم اجازه دهیم به اسم دفاع از آزادی از شیوه های مورد نظر دشمن برای ایجاد انحراف در اصلاحات در کشور استفاده شود» (نگاه کنید به روزنامه همشهری، دوشنبه ۲۰ تیرماه ۱۳۷۹).

خامنه ای در اوضاعی این سخنان را ایراد کرد که در روزهای شبیه و یکشنبه، تهران و دیگر شهرهای کشور، به مناسبت برگزاری سالگرد ۱۸ تیر، روز فیام قهرمانانه دانشجویان دانشگاه های کشور، اوضاع ناآرامی داشتند. در تهران مزدوران مسلح رژیم به همراه انصار «ولی فقیه» و چاقو کشان ارگان های امنیتی و سپاه، به جمعی از مردم عادی و دانشجویانی که در حوالی میدان انقلاب جمع آمده بودند، یورش بردند و این تظاهرات را به خاک و خون کشیدند. روزنامه های مدافع ارتجاع و «ذوب در ولایت»، با استفاده از زدوخوردهایی که عمدتاً به دست مأموران امنیتی سازماندهی شده بود، فریاد «نظام در خطرست» را بلند کردند و از رژیم خواستند تا با قاطعیت با «توطئه های ضد انقلاب» برخورد کند.

با توجه به چنین اوضاع حساسی، سخنان خامنه ای در جلسه فوق العاده، سران رژیم، برای بررسی اوضاع بشدت بحرانی کشور، از اهمیت فراوانی برخوردار است، و تا حد زیادی برنامه های ارتجاع حاکم را برای کنترل اوضاع روشن می کند. سخنان خامنه ای از چند جنبه مختلف

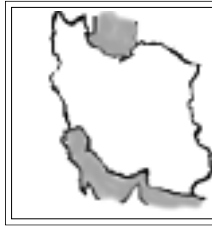
سید علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، در دیدار با «کارگزاران ارشد نظام»، ضمن حمله شدید به نیروهای آزادی خواه مدعی شد: «اصلاحات حقیقی جزو ذات و هویت انقلاب است، اما دشمنان تلاش می کنند در یک طرح دقیق و همه جانبه آمریکایی و با حمایت و هدایت اصلاحات مورد نظر خود، تجربه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را در این کشور تکرار کنند...» خامنه ای در جایی دیگر از سخنان خود، به طور بسیار حساب شده بی، مواضع خود و هوادارانش را پیرامون تحولات کنونی توضیح داد، و ضمن اعتراف ضمنی به اینکه در اوضاع کنونی نمی توان جلو روند اصلاحات را سد کرد، گفت: «باید مفهوم اصلاحات هم برای مسئولان و هم برای مردم کاملاً توصیف و ترسیم شود تا اولاً هرکس نتواند به میل خود اصلاحات را تبلیغ کند و ثانیاً، برای همگان مشخص باشد که کشور و جامعه، چه اهداف اصلاحی را دنبال خواهند کرد و به کدام سمت و سو حرکت می کنند...» و نتیجه اینکه اصلاحات باید از «مرکزی مقتدر و خویشتندار و هوشیار» هدایت شود زیرا «اگر حرکت اصلاحات دچار شتاب بیهوده شود به نتایج انحرافی منجر خواهد شد.» خامنه ای در جایی دیگر از همین سخنرانی ضمن حمایت از تزییقات دستگاه قضایی بر ضد مطبوعات، همچنین اشاره کرد که اگر چه «آزادی از مهمترین دغدغه های مسئولان نظام است، اما سمپاشی و گمراه سازی و منحرف ساختن اصلاحات آن هم در موقعیت حساس امروز کشور ممنوع است و ما

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

بررسی رویدادها ی ایران



دانشجویان و شعار

«دانشجو، دانشجو، اتحاد، اتحاد»

روز شنبه ۱۸ تیرماه، به مناسبت اولین سالگرد قیام دانشجویی سال گذشته، برنامه های گوناگونی در تهران و دانشگاه های دیگر شهرستانهای میهن مان برگزار شد. دفتر تحکیم وحدت قبلا اعلام کرده بود که هیچ گونه برنامه تجمع در سالروز واقعه ۱۸ تیر ندارد و از مردم و دانشجویان خواستار حفظ آرامش و پرهیز از خشونت گردیده بود. دعوت از مردم و دانشجویان برای پرهیز از خشونت توسط دفتر تحکیم وحدت در حالی صورت می گیرد که در تمامی اجتماعات دانشجویی، هیچ گونه خشونتی از طرف دانشجویان تاکنون صورت نگرفته است. خشونت های تاکنونی، همه از طرف اوباشان حزب الهی و نیروهای تحت امر ولی فقیه انجام گرفته و می گیرد. به همین مناسبت و در یک اقدام سمبولیک در نفی خشونت، دفتر تحکیم وحدت با یک برنامه ریزی و فرستادن آکیپ های دانشجویی به میدان اصلی شهر تهران اقدام به توزیع گل در میان مردم کرد. از دیگر اقدامات دفتر تحکیم وحدت در این روز، دیدار با خانواده عزت ابراهیم نژاد شهید کوی دانشگاه، خانواده زندانیان اصلاح طلب، خانواده سعید رهامی و سعید حجاریان بود. در همین حال سمیناری تحت عنوان «نفی خشونت» در محل کوی دانشگاه برگزار شد که در آن هاشم آغاچری، عباس عبدی، الهه کولایی، علی اکبر موسوی خوئینی، رضا حجتی، علیرضا رجبی، محمد رضا خاتمی و چند نفر دیگر به سخنرانی پرداختند. بنا به گزارش ایسنا خبرگزاری دانشجویان ایران از این مراسم، تعداد دانشجویان شرکت کننده در این اجتماع ۲ هزار نفر تخمین زده شده است و این در حالی است که طبق همین خبر از ورود تعداد زیادی دانشجو به بهانه واهی نداشتن کارت دانشجویی جلوگیری جلوگیری گردید. هنگام ورود علیرضا رجبی به داخل سالن، دانشجویان به شدت کف می زدند. علیرضا رجبی که با دست اندازی شورای نگهبان در آرای مردم تهران از ورود به مجلس محروم گردیده است با شعار دانشجویان مبنی بر: «در مجلس مردمی جای رجبی خالی»، مورد تشویق و حمایت شدید دانشجویان قرار گرفت. دانشجویان در این مراسم ضمن ابراز انزجار از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و ابراز نفرت از لاریجانی شعار می دادند: «سیمای لاریجانی خاموش باید گردد»، «هاشم آغاچری در این مراسم اظهار داشت: «دین وقتی همزاد و توجیه گر قدرت و سرمایه می شود، تبدیل به افیون توده ها می شود و همچنین چهره سرکوبگر و خشونت پر پیدا می کند.» آغاچری با اشاره به این مسأله که برخی از لایه های قدرت به لوازم سیاسی شدن دانشگاه پایبند نیستند گفت: «این نشان می دهد که درک آنها از سیاست، سرکوبگرانه است و اندیشه آنها

تهدید آمیز و موافق با اقتدار حاکمیت است.» عباس عبدی ضمن مشکل دانستن فرآیند اصلاحات و پیچیدگی این مسیر افزود: «فرآیند اصلاحات بازگشت ناپذیر است ولی بخش عمده آن به عملکرد تلاشگران اصلاحات باز می گردد. بر این اساس باید راه هایی را برگزید که آهسته و پیوسته به نتیجه برسد» رضا حجتی، عضو مرکزی شورای دفتر تحکیم وحدت با بیان این مطلب که این دفتر استراتژی آرامش فعال و پروژه لیخنه اصلاحات را به جای واکنش های رادیکالی برگزید، گفت: «خیلی از شهروندان فکر می کنند چون فشار محافظه کاران بر اصلاح طلبان از حد معینی گذشته است ما این روش را برگزیدیم، ولی واقعیت این نیست.» وی در جای دیگر اضافه کرد که هر حرکت رادیکالی که منجر به برهم زدن آرامش شود تنها برای فرودستان هزینه دارد. علیرضا رجبی در تشریح روند تحولات ایران و اصلاحات گفت: «با وجود مقاومت هایی که در مقابل جریان اصلاحات صورت می گیرد، اما باید گفت جریان اصلاحات یک جریان سیاسی نیست بلکه یک جریان تاریخی است و از بدنه جامعه مدنی است آغاز شده و خود را به قدرت سیاسی تحمیل کرده است.» محمد رضا خاتمی در سخنان خود به نحوه برخورد با حرکت های دانشجویی پرداخت و در این باره اظهار داشت: «در مقطع فعلی همه طالبان حقیقت و اعتدالی ایران بر لزوم حفظ آرامش تاکید می کنند و می گویند جز در یک فضای آرام امکان پیشرفت وجود ندارد اما برای اصلاح طلبان در وضعیت فعلی تناقض وجود دارد. از یک طرف تاکید بر حفظ آرامش باعث جسورتر شدن دشمنان اصلاحات و حاکمیت مردم می شود تا هر روز یکی از نهادهای مردمی را مورد حمله قرار دهند و بکشند تا گام به گام با حربه های قانونی و شبه قانونی اصلاحات را در محاصره بیندازند و از طرف دیگر همه ما می دانیم که کوچکترین حرکت تندی که آرامش را به خطر بیندازد، همان چیزی است که خشونت طلبان می خواهند تا حادثه ای مانند کوی دانشگاه را ایجاد کنند.» وی در خاتمه با اشاره به حرکت عمومی به سمت اصلاحات گفت: «امیدواریم که همه از راه رغبت به خواسته مردم گردن نهند چرا که در غیر این صورت اگر مردم احساس کنند که راه قانونی برای پیگیری خواسته های خود ندارند، ممکن است، دست به کاری بزنند که به نفع هیچ کس نیست.» علیرغم دعوت به آرامش دانشجویان از طرف اصلاح طلبان و دفتر تحکیم وحدت خبرگزاری ایسنا طی مخابره خبرهایی، اعلام کرد که درگیری هایی بین دانشجویان، نیروهای انتظامی و اوباش حزب الهی صورت گرفته است. در اولین درگیری هایی که حوالی ظهر روز شنبه در مقابل دانشگاه تهران صورت گرفت، عده ای از دانشجویان توسط کسانی که فاقد لباسی فرم بودند دستگیر و تحویل نیروهای انتظامی شدند. در یک درگیری دیگر که حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر گزارش شده، بار دیگر تعداد زیادی از دانشجویان توسط لباس شخصی ها در حالی که شدیداً مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند دستگیر گردیدند. بنا به این گزارش یکی از افراد مزبور شخصی بوده که در جریان ترور سعید حجاریان به عنوان متهم محاکمه و سپس تبرئه گردیده است. علیرغم دستگیری ها و بازداشت های گسترده توام با ضرب و شتم، تظاهرات دانشجویی همچنان ادامه پیدا کرد. دانشجویان برای اولین بار در این تظاهرات شعار «دانشجو! کارگر! اتحاد! اتحاد» را سردادند. دانشجویان در این تظاهرات همچنین شعار می دادند: «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «مطبوعات، مطبوعات، آزادی، آزادی»، «سیمای لاریجانی، خاموش باید گردد»، «خاتمی! خاتمی! این آخرین اخطار است». اوج درگیری ها در روز شنبه، شب هنگام گزارش شده است. نیروهای سرکوبگر رژیم ولایت فقیه برای متفرق کردن دانشجویان تظاهر کننده از گاز اشک آور و شلیک گلوله هوایی استفاده کردند. درگیری با چوب و پرتاب سنگ در حوالی میدان انقلاب و خیابان های اطراف آن تا ساعت ۹ شب ادامه داشته است. نیروهای سرکوبگر رژیم مانع از فیلمبرداری خبرنگاران و عکاسان از این تظاهرات گردیدند.

نآرامی در آبادان و پیرانشهر

به دنبال تظاهرات زحمتکشان «شاتره» اهالی مردم آبادان هفته گذشته در اعتراض به شوری آب و عدم تامین امکانات رفاهی که زندگی در گرمای بیش از ۵۰ درجه در این شهر را غیر قابل تحمل کرده است دست به اعتراضات وسیعی زدند که بنا به گزارش های رسیده به مدت چند روز ادامه داشت. به گزارش روزنامه کیهان، پنجشنبه ۱۶ تیرماه، حدود ۱۵۰ نفر از اهالی در صبح چهارشنبه با تجمع در مقابل فرمانداری و ورود به آن نسبت به شوری آب اعتراض کردند که با مداخله نیروهای انتظامی از ساختمان خارج شدند. بنا بر همین گزارش جمعیت تظاهر کننده که هر لحظه بر تعداد آنها افزوده می شد به درگیری با نیروهای سرکوبگر نیروی انتظامی پرداخته که در جریان آن بیش از ۱۵۰ نفر در این تظاهرات بازداشت گردیدند. روزنامه کیهان ضمن اوباش خواندن زحمتکشان شهر

آبادان نوشت: «شور بودن آب و وقفه در توزیع آب شیرین، موجب نگرانی و اعتراض مردم شد، ولی متأسفانه تعدادی از افرادی، که هیچ تعهدی به انقلاب و حیثیت مردم آبادان نداشتند، با اغتشاش و تعرض به اماکن عمومی خساراتی را وارد کردند.» چنین نارسایی هایی که ریشه در حکومت ضد مردمی رژیم ولایت فقیه دارد، باعث بروز نا آرامی های اجتماعی گردیده که طی دو سه هفته گذشته نمود بیشتری پیدا کرده است. مردم پیرانشهر که در یکی از محروم ترین مناطق کشورمان گذران می کنند، به دنبال اقدامات تزیینی مزدوران رژیم به مردم فقیر و زحمتکش و به قتل رساندن یک نوجوان در این رابطه، در یک اقدام خشمگین و اعتراضی که باعث هراس مرتجعان حاکم گردید با تعطیلی مغازه ها و محل کسب کار خود به مقابله با این اقدام ضد مردمی برخاستند. روزنامه بهار چهارشنبه ۱۵ تیرماه از قول منابع موثق نوشت: «در اثر تیراندازی روز سه شنبه در سطح خیابان های شهر دو نفر از مردم و یک نفر از نیروهای انتظامی بر اثر اصابت گلوله زخمی شدند. منابع محلی اظهار داشتند که اقوام و فامیل نوجوان کشته شده دو شب و شب با حمله به منزل فرد قاتل دو باب منزل و یک دستگاه خودروی وی را به آتش کشیدند.» در تمامی این اقدامات اعتراضی تعداد زیادی از هموطنان زحمتکش دستگیر گردیده که هیچ اطلاعی از سرنوشت آنها در دست نیست. محمد خاتمی، روز پنجشنبه ۱۶ تیرماه، در جریان سفر خود به استان کهگیلویه و بویر احمد در یک سخنرانی با تشریح وضعیت سیاسی ایران اظهار داشت که، نباید مردم به دلخواه ما تظاهر و عمل کنند و اگر چنین نشد با قوه قهریه آنها را سرکوب کرد. خاتمی همچنین گفت که، اگر مردم قانع نشوند این مسأله روزی باعث انفجار می شود.

۱۸ تیر و عمق فاجعه دانشگاه تبریز

به گزارش ایسنا سه شنبه ۱۴ تیرماه، اکبر اعلمی در مصاحبه با این خبرگزاری با اعلام این مطلب که به گفته شاهدان عینی، عمق فاجعه تبریز اگر بیشتر از حادثه کوی دانشگاه تهران نباشد، کمتر از آن نیست افزود: «شخصاً در تبریز با دانشجویان بی گناهی برخورد کردم که مورد ضرب و شتم واقع شده بودند. رئیس دانشگاه تبریز هم مورد ضرب و شتم قرار گرفته است و دست کم دو تن از دانشجویانی که بنا به مدارک موجود و اظهارات دستگاه های ذیربط، عامل پیشگیری کننده از گسترش بحران بوده اند، هم اکنون در زندان به سر می برند اما در این میان کسانی که بدون مجوز قانونی وارد دانشگاه شدند و به ضرب و شتم دانشجویان پرداخته بودند، آزادانه می گردند و هر از چند گاهی هم رجز خوانی کرده، به تهدید و ارعاب مبادرت می کنند.» نماینده تبریز در مجلس اضافه کرد: «متأسفانه مسایل دانشجویان دانشگاه تبریز به دلیل دور بودن از مرکز، نبود حساسیت جدی مسئولان اجرایی تبریز و بسته بودن فضای سیاسی در این شهر به شکل جدی پیگیری نشده است.»

رهبران احزاب کارگری و کمونیستی جهان ضمن حمایت از مبارزه جنبش مردمی برای تحقق آزادی و جامعه مدنی در ایران خواستار آزادی فعالیت احزاب سیاسی شدند

در یک اقدام بی سابقه، رهبران پنجاه و شش حزب کارگری و کمونیستی، از چهل و شش کشور جهان، در جریان کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست، همبستگی قاطع خود را با مبارزات مردم ایران اعلام کردند. رهبران احزاب کارگری و کمونیستی پس از استماع سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، که گزارشی از آخرین تحولات ایران را به کنفرانس ارائه داد، متن سند زیر را به امضاء رساندند.

«ما نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی، شرکت کننده در کنفرانس «تجربیات کمونیست ها در اتحاد و همکاری»، که از تاریخ ۲۳ تا ۲۵ ژوئن در آتن برگزار شد، همواره، در طول سالهای اخیر، از مبارزات مردم ایران در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی دفاع کرده ایم. ما ضمن استقبال از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، در سالهای اخیر بطور پیگیر و مداوم مدافع پیکار مردم ایران در راه آزادی، صلح و عدالت بوده ایم و امروز نیز بار دیگر حمایت خود را از خواست های نیروهای مترقی ایران مبتنی بر اهداف زیر اعلام می کنیم:

- جدایی دین از حکومت؛
- رفع ممنوعیت از همه احزاب، سازمان ها و نیروهای اپوزیسیون و احترام به حقوق این احزاب برای فعالیت آزاد؛
- به رسمیت شناختن حقوق اتحادیه ها، سندیکاها و سازمان های مستقل کارگری؛
- آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی؛
- پایان دادن به سانسور و تضيیقات بر ضد مطبوعات؛
- انحلال ارگان ها و نهادهای سرکوبگر که به صورت رسمی و غیر رسمی توسط رژیم سازماندهی می شوند؛
- پایان سرکوب حقوق اقلیت های ملی و به رسمیت شناختن حق خود مختاری خلق ها در چارچوب ایرانی متحد و دموکراتیک؛
- پایان سرکوب حقوق اولیه و انسانی زنان و لغو همه قوانینی که بر ضد زنان به تصویب رسیده است.»

حزب کمونیست بوهوم و موراوی	حزب توده ایران
حزب کمونیست دانمارک	حزب کمونیست آفریقای جنوبی
حزب کارگران مجارستان	حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا
حزب کمونیست مصر	حزب کمونیست اردن
حزب کمونیست فنلاند	حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
حزب کمونیست عراق	حزب کمونیست ارمنستان
حزب کمونیست کردستان عراق	حزب کمونیست استرالیا
حزب کمونیست لیتوانی	حزب کمونیست اتریش
حزب کمونیست لبنان	حزب کارگران ایرلند
حزب کمونیست مالداوی	حزب کمونیست خلق های اسپانیا
حزب کمونیست نورژ	اتحاد نیروهای چپ اسپانیا
حزب کمونیست فلسطین	حزب کمونیست اسرائیل
حزب کمونیست فیلیپین	حزب کمونیست آلمان
حزب کمونیست پرتغال	حزب کمونیست رفونداسیون - ایتالیا
حزب کمونیست رومانی	حزب کمونیست های ایتالیا
حزب کمونیست فدراسیون روسیه	حزب کمونیست اوکراین
اتحادیه احزاب کمونیست اتحاد شوروی	اتحادیه کمونیست های اوکراین
حزب کمونیست کارگران روسیه	حزب کمونیست بلاروس
حزب کمونیست کاتالونیا	حزب کارگران بلژیک
حزب کمونیست سودان	حزب کمونیست بلژیک
حزب کمونیست سوئد	حزب کمونیست بریتانیا
حزب کمونیست سوریه	حزب نو کمونیست بریتانیا
حزب کمونیست در سوریه	حزب کمونیست بلغارستان
حزب کمونیست نو در هلند	حزب کمونیست بلغارستان (گئورگی دیبترف)
حزب کمونیست ویتنام	حزب کمونیست بلغارستان (پلاتفرم مارکسیستی)
حزب کمونیست نو یوگسلاوی	حزب کمونیست کانادا
حزب کمونیست یونان	حزب کمونیست کلمبیا
	حزب کمونیست کوبا
	حزب کارگران مترقی قبرس آکل

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران !

بخش هایی از سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در کنفرانس مهم احزاب کمونیستی و کارگری اوضاع حساس ایران، اتحاد ها و حزب توده ایران، و همکاری احزاب کمونیستی و کارگری جهان

رفقای عزیز

در آغاز از حزب کمونیست یونان، به دلیل دعوت از حزب ما برای شرکت در این کنفرانس مهم بین المللی، تشکر می کنم. رفقای یونانی، یک بار دیگر قدم شجاعانه ای در ارائه فرصت اشتراک فکر و بررسی مشکلات کار مشترک و اتحاد احزاب کمونیست و کارگری جهان برداشته اند. حزب توده ایران، قاطعانه از چنین اقدامات حمایت می کند. حزب توده ایران برای امکان مطالعه و بررسی جمعی تحولات کشورهای مختلف و عواملی که در موفقیت جنبش کارگری در گوشه و کنار جهان تاثیر دارد، اهمیت فراوانی قایل است. ما معتقدیم که، در وضعیت بغرنج کنونی جهان، که امپریالیسم، به قصد بی بازگشت کردن «نظم نوین جهانی» از همه آنچه که در دسترس دارد استفاده می کند، و طبقه کارگر در تدارک جبران عقب گردهای استراتژیک سال های اول دهه ۹۰ میلادی است، یادگیری از تجربه یکدیگر و کوشش جمعی همه کمونیست ها، ضروری است.

در ابتدای قرن بیست و یک، سرمایه داری جهانی شاهد اولین نشانه های فروریزی نظم نوین جهانی خویش است. فقط ده سال پیش بود که مداحان امپریالیسم، پایان تاریخ و شکست سوسیالیسم را جار می زدند. امروز به موازات ناتو، ایالات متحده، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و همه پایه های نو لیبرالیسم سرمایه داری با بحران جدی و آینده بی ناروشن روبرو هستند. مردم در گوشه و کنار جهان بر ضد واقعیت های ناشی از سلطه منافع انحصارات به مقاومت برخاسته اند. شرکت طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی در مبارزه بر ضد نولیبرالیسم سرمایه داری، که نمونه آن را، در نبرد بزرگ سیاتل، در آذر ماه گذشته شاهد بودیم، نشانگر تحولی مثبت است. مردم به صفوف مبارزه بر ضد بدترین مظاهر سرمایه داری، و برای عدالت و آینده بی با امنیت و قابل دوام می پیوندند.

پس از ده سال تجربه، جهان یک قطبی زیر سلطه امپریالیسم جهانی، به رهبری ایالات متحده، مردم در می یابند که سرمایه داری جهانی مترادف است با فقر، عقب ماندگی برای کشورهای در حال توسعه، و جنگ و خونریزی. اشاعه و دفاع از خشونت دولتی از دیگر ویژگی های برجسته جدید امپریالیسم جهانی است. در آفریقا، بالکان و خاورمیانه، امپریالیسم تلاش می کند ضمن گسترش سلطه استعماری خود این نظر را القاء کند که، در مقابل سرمایه داری و جهانی شدن هیچ چاره ای جز تسلیم شدن وجود ندارد. ولی همان طوری که می دانید ما در گوشه و کنار جهان و در تمامی قاره ها شاهد رشد سریع و گسترده مخالفت با این سیاست ها هستیم و ایران نیز از این روند مستثنی نیست. بر چنین زمینه های فکری است که اهمیت و ابعاد برگزاری چنین کنفرانسی روشن تر می شود.

رفقا،

از زمان انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی در ایران، در سال ۱۹۷۹، جنبش مردمی برای دموکراسی و عدالت اجتماعی فراز و نشیب های زیادی را از سر گذرانده است. بیش از هجده سال پس از انقلاب ۱۳۵۷، بار دیگر در ماه مه ۱۹۹۷ مین ما شاهد رشد جنبش مردمی بی بود که، مشخصه های مشابهی با جنبش انقلابی بهمن ۱۹۷۹ داشت.

این جنبش، پاسخی بود به بحران اجتماعی - اقتصادی در کشور، و عکس العملی بر ضد سیاست هایی که دولت های متوالی از ابتدای دهه ۸۰ میلادی، به ویژه در هشت سال تسلط کامل دولت هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری پیشین، دنبال کرده بودند. بخش عمده بی از نیروهای ترفی خواه ایران همیشه رفسنجانی را به مثابه یکی از پایه های اساسی رژیم و یکی از معماران اصلی ارتجاع و دیکتاتوری در کشور، از مسئولان ادامه جنگ ۸ ساله با عراق و سرکوب خونین جنبش مخالفان سیاسی، در دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی ارزیابی کرده و می کنند. در کشور ما، نقش کلیدی رفسنجانی در تمرکز قدرت اقتصادی و اجتماعی حول محور یک گروه از نخبگان ارتجاعی - مذهبی سرمایه داری، بر کسی پوشیده نیست.

رژیم انتظار داشت، و تلاش بسیار کرد که انتخابات ریاست جمهوری ۲ خرداد ماه سال ۱۳۷۶، را در راستای تأیید سیاست های فاجعه بار بنیادگرایی تئوکراتیک خود سازمان دهد. سیاستی که، اگر چه خود را در جامه اسلامی استتار کرده بود ولی در واقع هدفش سرکوب کردن و سد هرگونه جنبش و حرکتی به سمت جمهوریت و دموکراسی واقعی بود. مردم ایران دست رد بر نیرنگ بازی و خیانت رژیم گذاشتند. انتخاب سید محمد خاتمی، به عنوان

رئیس جمهوری، انعکاس مخالفت رشد یابنده مردم کشور ما بر ضد رژیم تئوکراتیک و سیاست های اجتماعی - اقتصادی آن در شرایط ویژه ایران بود. حزب ما، نتیجه انتخاب ۲ خرداد ماه را «نه» عظیم مردم به رژیم، ارزش ها و اصول بنیانی آن ارزیابی کرد. رای عظیم و تعیین کننده مردم در مردود شمردن ارزش ها و انتخاب های اعلام شده رژیم، در ۲ خرداد ۱۳۷۶، مرحله برجسته تاریخی بی در مسیر مبارزه بر ضد باند ارتجاعی حاکم و دیکتاتوری در کشور ما بود. بر خلاف برخی تحلیل های سطحی و ساده اندیشانه، آنچه که در ۲ خرداد ماه رخ داد، یک حادثه اتفاقی نبود. این جنبش عظیم توده ای محصول ورود خاتمی به کارزار انتخابات ریاست جمهوری نبود. مدت ها پیش از انتخاب خاتمی، حزب توده ایران به ظهور یک گرایش در درون نیروهای اسلامی که «مواضع خود را عوض کرده و تا حدودی به مواضع نیروهای اپوزیسیون نزدیک تر شده اند» اشاره کرده بود. این نیروها به ادامه رژیم «ولایت فقیه» در شکل کنونی آن معتقد نیستند. ما همچنین مطرح کرده بودیم که از آنجا که حاکمیت یک رژیم تئوکراتیک و عمیقاً استبدادی با حرکت به سمت اصلاحات پایه ای به سمت تحقق حقوق دموکراتیک، آزادی و جامعه مدنی همخوانی ندارد، این امر به تشدید تضاد بین مردم و حاکمیت ارتجاع منجر خواهد شد.

در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۲ خرداد سال ۱۳۶۷، حزب ما صراحتاً ماهیت ناطق نوری را به مثابه نماینده ارتجاعی ترین و قشری ترین جناح رژیم افشا کرد. حزب ما در عین حال نمی توانست با این نظر آقای خاتمی مبنی بر امکان عملی کردن آزادی و جامعه مدنی در چارچوب رژیم متکی بر «ولایت فقیه» موافق باشد. حزب ما پس از انتخابات ۲ خرداد ماه اعلام کرد: «آنچه از هم اکنون روشن است، این حقیقت است که رهبری رژیم ولایت فقیه علی رغم خواست عظیم توده ها به انجام تغییرات دموکراتیک، مصمم است به سیاست های خود ادامه دهد و سد راه هرگونه تغییر اساسی در سمت و سوی حرکت جامعه ما باشد.»

ما اکنون می توانیم با جرئت بگوییم که بسیاری از نیروها، از جمله آنهایی که جنبش اصلاح طلبی در درون کشور را هدایت می کنند، کم کم به صحت ارزیابی و درک ما مبنی بر اینکه رژیم «ولایت فقیه» با تغییرات دموکراتیک، بنیادین و پایدار در تضاد جدی قرار دارد پی می برند.

جنبش دموکراتیک در کشور ما، با سمت گیری به سوی اصلاحات بنیادین، و ارجحیت دادن به توسعه سیاسی، نتیجه گیری کرده است که، مادامی که یک نظام تئوکراتیک بر مینهن ما حاکم است، هیچ گونه تحول جدی بی در جهت آزادی و عدالت اجتماعی ممکن نیست.

در بررسی اوضاع کشور ما، اشاره بی به بحران اقتصادی حاکم بر ایران نیز اهمیت حیاتی دارد. متأسفانه در بسیاری از عرصه های اقتصادی، محمد خاتمی و همراهان او سیاست های دولت رفسنجانی را ادامه می دهند. بسیاری از وزرای کابینه خاتمی، قبلاً در کابینه رفسنجانی عضویت داشته اند و مصمم اند که وضعیت اقتصادی کنونی را حفظ کنند. به همین دلیل امروز در ایران بیکاری، محرومیت و فقر در سطحی گسترش یافته و بسیار نگران کننده وضعیت فاجعه باری پدید آورده است. سیاست های کنونی، بر اساس گفته های شعبانی، معاون مدیر کل بانک مرکزی، در سال آینده، منجر به بیکاری بیش از ۸ میلیون نفر، یعنی ۲۶ درصد جمعیت فعال کشور، خواهد شد. در کنار این فاجعه، ایران هنوز میلیاردها دلار بدهی خارجی دارد که فشار مشخصی را بر اقتصاد بیمار وارد می کند.

واقعیت این است که، در ایران، هر روزه حقوق طبقه کارگر در کارگاه ها و مراکز تولید تقض می شود. دانشگاه ها، دبیرستان ها و همه موسسات آموزشی و تربیتی هنوز هم مورد تعرضات رژیم تئوکراتیک قرار دارند و در عرصه امکانات خود با کمبود سرمایه گذاری روبرو هستند.

بر چنین، زمینه بی است که، در سال گذشته ما رشد چشمگیر جنبش کارگری در کارگاه ها و کارخانه ها در سراسر کشور و همچنین رشد جنبش دانشجویی در دانشگاه ها و دبیرستان ها را در بسیاری از شهرها شاهد بودیم.

نزدیک یک سال پیش ده ها هزار دانشجوی دانشگاه های مختلف ایران، در تظاهراتی بر ضد بوس روزنامه های منتقد رژیم شرکت کردند که نهایتاً منجر به قیام دانشجویان در روزهای ۱۸ تا ۲۱ تیرماه شد. جنبشی که رژیم آنرا به وحشیانه ترین شکل ممکن و با یورش نظامی به دانشجویان سرکوب کرد و هزاران تن از فعالان جنبش را دستگیر و روانه شکنجه گاه ها ساخت. البته در این زمینه سکوت و

ادامه سخنرانی نماینده کمیته مرکزی ...

مماشات دولت خاتمی حائز اهمیت است.

برغم این سرکوب خونین جنبش طالب تغییرات دموکراتیک متوقف نشد و همچنان به مبارزه خود بر ضد استبداد حاکم ادامه داد. انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی که اخیراً در اوایل اسفند ماه برگزار شد عرصه مهم دیگری از رویارویی مردم با ارتجاع بود. برغم تلاش های رژیم برای دستکاری و تقلب در نتایج انتخابات، نتایج اعلام شده نمایشگر شکستی سنگین برای نیروهای محافظه کار در سراسر کشور بود. نتایج انتخابات، همچنین منعکس کننده اتحاد رشد یابنده نیروهای خواهان تغییرات یعنی: جنبش دانشجویی، جوانان، جنبش زنان و طبقه کارگر است، که عزم خود را به ادامه جنبش، با حمایت از نامزدهایی که طرفداری خود را از تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اعلام کرده بودند، به نمایش گذاردند. در گوشه و کنار جهان، هیچ نمادی مشخص تر از ستم بر زنان، در سال های اخیر، در جامعه ایران، نمی تواند ابعاد ستمی را که توسط مردم ایران تجربه شده است ترسیم کند. امروز مردم ما خواهان گسستن زنجیرها و قیود رژیم بنیادگرا که مانع شرکت فعال آن ها در یک جامعه مدرن است، می باشند.

رفقا،

آنچه که امروز در ایران به جبهه «دوم خرداد» معروف شده است، به باور ما، ائتلاف نیروهای سیاسی و اجتماعی یی است که حول حمایت از برخی آزادی های لیبرالی، و تأکید بر جمهوریت، با هم وحدت نظر دارند. در بررسی این جبهه این امر اهمیت دارد که نیروهای سیاسی شرکت کننده در آن را مورد توجه و بررسی قرار دهیم. حقیقت این است که به دلیل حاکم بودن جو ترور و سرکوب در کشور و مادامی که احزاب و سازمان های مستقل سیاسی مجاز به فعالیت قانونی نیستند، حضور احزاب سیاسی واقعی با پایگاه قدرت مردمی بسیار ضعیف است. بسیاری از گروه ها و احزابی که در سال های اخیر تشکیل شده اند، فاقد هرگونه پایگاه اجتماعی اند، و حول افراد، شخصیت ها ایجاد شده اند. این احزاب می توانند به همان سرعتی که به وجود آمده اند، از بین بروند. از این دسته احزاب، حزب کارگزاران سازندگی است، که توسط یکی از جناح های حاکم، که نمایندگان آن رفسنجانی و مولفان او، به منظور کانالیزه کردن مخالفت با رژیم و سوء استفاده سیاسی از آن به نفع حفظ کنترل اهرم های قدرت، پایه گذاری شده است. کارزار نیروهای مترقی و سازمان های رادیکال طرفدار اصلاح طلبی با افشای ماهیت واقعی «حزب کارگزاران سازندگی» موفق به تحمیل شکست عظیمی به این نیرو و خصوصاً شخص رفسنجانی در انتخابات مجلس شد.

یکی از عمده ترین احزابی که در سال های اخیر تشکیل شده است، جبهه مشارکت ایران اسلامی است، که ائتلافی از طیف وسیع نیروهای مذهبی است. «جبهه مشارکت»، در جریان انتخابات مجلس ششم ضمن مخالفت با ترندهای شورای نگهبان ارتجاع و مقابله با توطئه گروه رفسنجانی توانست بخش وسیعی از آراء مردم در تهران و شهرستانها را به خود اختصاص دهد. برخورد با لواجی همچون طرح جداسازی خدمات درمانی بر اساس جنسیت، مخالفت با لایحه ضد دموکراتیک مطبوعات، مسأله دادگاه ویژه روحانیت، لایحه قانون انتخابات، لغو قانون ضد کارگری خارج کردن کارگاه های کوچک تولیدی از شمول قانون کار و غیره، از جمله مسائلی هستند که سخنگویان این جریان اعلام کرده اند قصد دارند در مجلس جدید در جهت تغییر آنها تلاش کنند. بدیهی است که هر حرکتی در جهت تضعیف قانونی نیروهای ارتجاع و کنترل آنها بر اهرم های قدرت مسأله ای است که از سوی جنبش و نیروهای ملی و ترقی خواه مورد حمایت قرار خواهد گرفت. حزب توده ایران ضمن توجه و درک نقاط قدرت و ضعف این نیروها، به این واقعیت نیز اعتقاد دارد که روند کنونی و حرکت جنبش مردمی به سمت تغییرات را نمی توان متوقف کرد.

بر خلاف برخی از تحلیل ها و نظریات ارائه شده از سوی شماری از نیروهای اپوزیسیون رژیم، که تمام توجه و تأکید خود را معطوف نیروهای سیاسی شرکت کننده در جبهه ائتلاف دوم خرداد می کنند، حزب ما نیروهای اجتماعی شرکت کننده در جنبش یعنی کارگران و زحمتکشان، جوانان، دانشجویان، زنان، روشنفکران مترقی، هنرمندان و نویسندگان را نیروی محرکه اساسی اصلاحات و مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما می داند. در این طیف وسیع نیروهای اجتماعی شرکت کننده در جنبش، سه بخش اساسی جنبش کارگری، جنبش دانشجویی - جوانان و زنان نقش ویژه ای را ایفاء می کنند.

تلاش ما متوجه توسعه جنبش دانشجویان و جوانان است. ما همچنین اعتقاد داریم که طبقه کارگر باید سازمان های صنفی مستقل و تحت رهبری خود را توسعه بدهد. مسأله اساسی که به گمان ما توجه به آن در اوضاع حساس امروز بسیار ضروری است این امر است که جنبش هنوز از توان و سازماندهی لازم برخوردار نیست و از این رو نیاز به زمان دارد.

حزب توده ایران مدت هاست که نیروهای مترقی و آزادی خواه را به تشکیل یک جبهه متحد ضد دیکتاتوری فراخوانده است. ما بر این باوریم که طیف وسیعی از نیروها، از چپ تا نیروهای ملی و مسلمانان دگراندیش، می توانند در این اتحاد شرکت کنند. در حال حاضر جبهه وسیعی در کشور تشکیل شده است که ائتلاف نیروهایی است که از نظر پایگاه طبقاتی، قشرها و طبقات گوناگونی را نمایندگی می

کند. امید است که این جبهه در توسعه خود نقش سکویی به سمت جبهه ضد دیکتاتوری ایفا کند، به شرطی که ما بتوانیم این جنبش را از پایین گسترش بدهیم. تا آنجایی که به دیگر نیروها مربوط است، حزب ما تلاش کرده است تا ارتباطات و روابط خود را با نیروهای چپ و مترقی گسترش دهد ولی اختلافات تاریخی، پیش دآوری ها و فعالیت بر اساس رقابت و نه همکاری، مانع از این شده که نیروهای چپ بتوانند اتحاد موثر و فعالی را تشکیل دهند و بتوانند نقش و تأثیر شایسته خود را بر مبارزه مردمی داشته باشند.

رفقا،

در این فرصت کوتاهی که به من داده شد، تا اوضاع جاری میهن را توضیح دهم، فقط ممکن می شد نگاهی کوتاه به مشخصه های پیچیده و سریع در حال تغییر مبارزه سیاسی - اجتماعی که در حال حاضر در جریان است، بیندازم. حزب توده ایران خوش بین است که ایران به دوران جدیدی وارد شده است، که در بردارنده تغییرات تعیین کننده و مهمی است.

نکته دیگری که کنفرانس ما به آن توجه دارد، مسأله همکاری نیروهای ترقی خواه در سراسر جهان در مقابله با امپریالیسم جهانی است. احزاب کمونیستی و کارگری، گر چه اکنون با چالش های ویژه خوش رویه رو هستند، ولی با فرصت های جدیدی نیز رویه رو بند که توجه به آنها حائز اهمیت است.

در ابتدای دهه ۹۰ میلادی سرمایه داری جهانی تلاش کرد که با استفاده از شرایط ایجاد شده ضمن تقویت اتحادهای خود تضادهای بین خود را به حداقل برساند. ماجراجویی های نظامی، توطئه های اقتصادی، ترندهای ایدئولوژیک و برتری طلبی های فرهنگی، از جمله سلاح هایی بود که در این راه به کار گرفته شد. ولی اوضاع امروز از سال های نخست دهه ۹۰ متفاوت است. ما امروز

باید بتوانیم در اوضاع جدید پاسخ مناسب و شایسته یی به تهاجمات سرمایه داری جهانی بدهیم. از این رو، اگر جنبش جهانی کمونیستی و کارگری نتواند اشکال مناسب همکاری جهانی و بین المللی را توسعه دهد، با اشکالات جدی، روبه رو خواهد شد. در این رابطه، ما از ابتکار حزب کمونیست یونان در برگزاری چنین کنفرانسی استقبال می کنیم. این امر اهمیت دارد که ما به سبب نگرانی از برخی اشتباهات که جنبش ما ممکن است در گذشته مرتکب شده باشد، دچار تردید نشویم و در این دام نیفتیم که بخاطر تفاوت ها و ویژگی های ملی نمی توانیم به مسئولیت های بین المللی خویش در همکاری و اتحاد جامه عمل بپوشانیم. همان طوری که می دانید درست یک سال قبل، جهان شاهد سازمان دهی بین المللی تجاوز سیاسی، نظامی، از طریق ناتو، در تلاش برای بی ثبات کردن بیشتر منطقه بالکان بود. جنایات جنگی که توسط ناتو انجام گرفت، امروز دیگر به خوبی مستند گردیده است. مبارزه بر ضد نظامی گری در همه اشکال آن باید یکی از ارجحیت های اصلی ما باشد. از آن فراتر، مبارزه برای خلع سلاح هسته ای، اکنون که مجتمع های نظامی - صنعتی ایالات متحده یک بار دیگر تهدید به گسترش مسابقه تسلیحات هسته ای می کنند، اهمیت جدید و ویژه ای دارد.

موضوعات و کارزارهایی که می توانند توسط یک جنبش متحد بین المللی نیروهای کمونیستی و ترقی خواه اتخاذ بشود، کم نیستند. مبارزه بر ضد همه اشکال نژاد پرستی، بنیادگرایی مذهبی و بیگانه ستیزی (xenophobia)، باید در راس دستور کار ما باشد. همزمان با چنین کارزارهایی تلاش برای حفظ هویت فرهنگی خلق ها در برابر هجوم ارزش های امپریالیستی و سرمایه داری جهانی باید بطور موازی با مبارزه بر ضد نژاد پرستی و بیگانه ستیزی جریان یابد.

ما در قرن بیستم همچنین شاهد پیشرفت سریع «مایکرو الکترونیک»، علم ارتباطات، کامپیوتر و دیگر علوم بوده ایم. فن آوری (تکنولوژی) مدرن فرصت و امکان های عظیمی را برای آزادی بشریت ارائه می کند، اما این توان اگر در دست انحصارهای سرمایه داری، همچون «مایکروسافت»، «آی بی ام» و یا هر کدام از دیگر انحصارهای عظیم، قرار داشته باشد، نه تنها به آزادی و رفاه بشریت منجر نخواهد شد بلکه بر عکس می تواند لطمه های سختی به همراه داشته باشد. انقلاب اطلاعاتی (انفورماتیک)، ارتباطات و فن آوری فرصت های جدیدی را برای تبادل اطلاعات و بسیج نیروها، برای ما و متحدان ما، به جنبش ارائه می کند. باید از این فرصت ها به نفع جنبش توده ای و منافع محرومان و زحمتکشان بهره جست.

رفقا،

در خاتمه مایلیم یک بار دیگر از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران، از حزب برادر، حزب کمونیست یونان، برای زحمات و کوشش هایش در برگزاری این کنفرانس مهم جهانی، تشکر کنم. امیدواریم که این کنفرانس سر آغاز دوره جدیدی از تلاش های متحد احزاب کارگری و کمونیست جهان باشد. ما آمادگی خود را برای ایفاء سهم مان در جهت توفیق چنین تلاش واحدی اعلام می داریم. کارگان جهان متحد شوید!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

زنده باد سوسیالیسم!

ادامه ضرورت هوشیاری جنبش مردمی ...

قابل تأمل است. نخست آنکه، سران رژیم برای نخستین بار به وجود بحران عمیق در جمهوری اسلامی اعتراف کرده و با نگرانی جدی بدنبال یافتن راه حل هایی برای مهار بحرانند. سخنان خامنه ای همچنین نشان می دهد که سران رژیم پذیرفته اند که با توجه به اوج گیری جنبش مردمی متوقف کردن فوری اصلاحات امری ناممکن و ناشدنی است و از این رو باید با یک نقشه حساب شده، روند اصلاحات را نخست زیر کنترل گرفت، و سپس آنرا به انحراف کشانند. در این زمینه خامنه ای با هوشیاری، ضمن مقایسه اوضاع ایران با اتحاد شوروی این پیام را به کلیه «نیروهای خودی» می دهد که در صورت ادامه روند کنترل نشده اصلاحات رژیم فرو خواهد پاشید و از این رو همه نیروهای خودی باید ضمن کنار گذاشتن اختلاف نظرهای خود قبول کنند که روند اصلاحات، «ولایت فقیه» است و «ولی فقیه» آنرا تعریف می کند، یعنی حفظ «ولایت فقیه»، به عنوان ستون اساسی تمرکز قدرت سیاسی در ایران، ادامه پیدا کند. سران رژیم خوب می دانند که با تعمیق و بسط جنبش این خطر جدی وجود دارد که جنبش مردمی خواست اصلاحات بنیادین و دموکراتیک، از جمله طرد رژیم «ولایت فقیه»، به عنوان عمده ترین سد مقابل اصلاحات، را در دستور کار خود قرار دهد، و بی توجه به رهبری سیاسی خود به رویارویی با رژیم کشانده شود. نکته دیگری که در سخنان خامنه ای قابل تأمل است این است که سران رژیم به این درک رسیده اند که باید تلاش کنند و با قانع کردن سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در مورد خطراتی که «کل نظام» را تهدید می کند، از او برای به انحراف کشاندن جنبش بهره جویند. مقایسه ضمنی خاتمی با گارباچف، و تأکید بر اینکه خاتمی گارباچف نیست و صد در صد «اصول گرا است»، از سوی خامنه ای، را نیز باید در چنین چارچوبی ارزیابی کرد.

بر این اساس، ارتجاع حاکم پس از شکست سیاست تهدید به سرکوب، مترصد است تا با ایجاد شکاف و اختلاف اندازی در بین نیروهای اصلاح طلب راه را برای تضعیف جنبش، و سرانجام سرکوب خشن و خونین آن آماده کند. موضع گیری های دفتر تحکیم وحدت در مقابل سایر جریان های دانشجویی، بدون توجه به اینکه ارتجاع به دنبال چیست، و از سوی دیگر تحریکات نیروهای امنیتی و ارتجاع برای ایجاد درگیری و ناآرامی، با هدف تکرار وقایع تیرماه سال ۱۳۷۸، از جمله ترندهایی است که جنبش مردمی باید با هوشیاری و دقت در راه خنثی کردن آنها بکوشد.

آنچه از حوادث هفته های اخیر می توان نتیجه گرفت این است که ارتجاع با تنظیم سیاست جدیدی به قصد مهار کردن و سپس به انحراف کشاندن جنبش اصلاح طلبی به میدان آمده است و امیدوار است تا با مشخص تر کردن مرز «خودی و غیر خودی»، جدا کردن نیروهای متزلزل و مماشات گرا از جنبش، حرکت توده های اصلاحات را کند و سرانجام متوقف کند. روزنامه «بهار» در سرمقاله خود در شماره ۵۰، دوشنبه ۲۰ تیرماه، ضمن ارزیابی اوضاع حساس کشور، به این نکته دقیق و حساس اشاره کرد که: «نمی توان تصور کرد که ما در جامعه ای به سر می بریم که مردم مانند دموکراسی های دو حزبی خود را به گزینش بین دو جناح عمده راست و چپ مخیر و مختار می دانند و به این وضع هم قانع هستند. پویایی اجتماعی جامعه ایران و دگرگونی هایی که در لایه های مختلف جامعه در نگرش و باورهای گروه های اجتماعی روی داده است تصویر چندان روشن و مشخص و مطلوبی از آینده ارائه نمی دهد. گرایش بخش عمده جامعه به خاتمی را باید نشانه آخرین امید های مردم به اصلاح و بهبود نظام تلقی کرد. نمی توان به قطعیت گفت که انتخاب پس از خاتمی چه کسی خواهد بود... قطعاً هیچ چهره ای در جناح راست قادر به جلب حمایت مردم نیست و این حساس ترین نکته روند تحولات اجتماعی در ایران امروز است...»

ما با این ارزیابی موافقیم که، نیروهای اجتماعی، از جمله کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان و زنان، در طی سه سال مبارزه فهرمانانه، تجربیات گرانمایی را در مقابله با ارتجاع حاکم آموخته اند، و با درک و درایت تحسین برانگیزی برای ادامه روند اصلاحات به نبرد خود ادامه می دهند. این نکته نیز درست است که، مردم امیدوار بودند که با روی کار آمدن دولت خاتمی تحولات چشمگیری در جهت تحقق خواست های آنان صورت گیرد ولی تجربیات سه سال گذشته نشان داد که ارتجاع حاکم و استبداد «ولایت فقیه» سدی است در مقابل این خواست ها. ما با این نظر نیز موافقیم که سران ارتجاع، از خامنه ای تا رفسنجانی و دیگران، نه تنها هیچ پایگاه مردمی در بین توده ها ندارند، بلکه عمیقاً مورد انزجار توده ها هستند. نتایج انتخابات تهران و شکست مفتضحانه رفسنجانی «یار ولی فقیه» و «استوانه نظام» روشن ترین دلیل درستی چنین نظری است. آنچه در اینجا باید به این تحلیل اضافه کرد این است که، توده ها در حرکت آگاهانه و هوشیار خود، به تجربه، در می یابند که می توان با چه نیروهایی راه اصلاحات و تغییرات به سمت آزادی و استقرار حکومت مردمی را ادامه داد. آنچه مسلم است این است که با ادامه روند کنونی نیاز به ایجاد رهبری سیاسی پیگیر، مترقی و آزادی خواه از میان طیف وسیع نیروهای شرکت کننده در جنبش، احساس می شود و رژیم نیز از همین نکته در هراس است. حزب ما، با خوشبینی به آینده می نگرد، و اعتقاد عمیق دارد که جنبش مردمی، با هوشیاری و درایت، می تواند با ترفندهای رژیم مقابله کند و به راه خود ادامه دهد. دوران تقسیم جنبش به نیروهای «خودی» و «غیر خودی» بسر آمده است و هیچ صفی جز صف مدافعان آزادی و اصلاحات و در مقابل آن صف مداحان و مدافعان ارتجاع، استبداد و تاریک اندیشی، وجود ندارد. سرنوشت تاریخی نیروهای سیاسی میهن ما نیز با قرار گرفتن آنها در یکی از این دو صف پیوندی ارگانیک و گسست ناپذیر دارد.

ادامه کالبد شکافی عملکرد «رهبر» ...

اطاق ها، کتاب ها، جزوه ها به آتش کشیده شد. تعداد زیادی از دانشجویان، که سخت مجروح و آسیب دیده و هنوز حتی درمان نشده، از بیمارستان رپوده شدند. تعداد بازداشت شدگان در حدود ۲ هزار نفر بود. وقتی دانشجویی را از اتاق طبقه دوم به پایین پرتاب می کردند، مهاجمان آدمکش می گفتند: «یا حسین از ما قبول کن!» برخی از دانشجویان می گفتند: «اگر عراقی ها تهران را اشغال کرده بودند، هرگز با ما چنین نمی کردند.»

از یامداد شنبه ۱۹ تیرماه، دانشجویان در دانشگاه تهران متحصن بودند. یکشنبه ۲۰ تیرماه، جنبش دانشجویی اوج گرفت. بعد از ظهر کوی دانشگاه تهران بیش از همیشه ملتهب بود. گروهی از دانشجویان با تکه پارچه ای صورت خود را پوشانده بودند. دانشجویانی از دانشگاه های علم و صنعت، امیر کبیر و آزاد، برای اعلام حمایت آمدند. فریاد: راه پیمایی راه پیمایی بلند شد! خیابان موسوم به خمینی شاهد درگیری شدید دانشجویان با انصار حزب الله بود. دانشگاه تبریز، مانند دانشگاه های اصفهان، شیراز، مشهد، رشت و اغلب دانشگاه های کشور، به هواداری از دانشگاه تهران برخاست. گروه کثیری از دانشجویان زخمی و دستگیر شدند.

● دوشنبه ۲۱ تیرماه، روز تحصن استادان دانشگاه تهران بود به حمایت از دانشجویان. دانشگاه تهران تا ۷ بعد از ظهر پر از جمعیت بود. سپس دانشجویان از دانشگاه خارج شدند. نیروهای انتظامی و افرادی با پیراهن سفید و شلوار سیاه، با چوب و چماق و سنگ هجوم آوردند. روز سه شنبه ۲۲ تیرماه، دانشگاه تهران آرام نبود. نیروهای انتظامی و شبه نظامیان در اطراف دانشگاه مستقر شده بودند. نزدیک ظهر تظاهرات به اوج رسید. از چهارراه ولی عصر، خیابان جمهوری، میدان ولی عصر تا خیابان سعدی، میدان بهارستان و منطقه بازار. صحبت از خرابکاری هایی توسط مامورین امنیتی و نیروهای انتظامی و اوباشان شخصی پوش «رژیم» می رفت که برخی از دانشجویان از روزهای پیش حدس می زدند.

گفته شد مسجدالجماد، واقع در میدان ۷ تیر، مرکز تجمع افراد مسلح به چوب و چماق است که با مینی بوس به مناطق مختلف اعزام می شدند. نیروهای انتظامی و بسیج کنترل اوضاع را به دست می گیرند. موتور سوارهای «حزب الله» شعار می دهند: «ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند» و «حزب فقط حزب علی، رهبر فقط سید علی».

● روز چهارشنبه ۲۳ تیرماه بنا به دعوت شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، از طرف نیروهای سرکوبگر، یک تجمع در مقابل سر در دانشگاه تهران تدارک دیده شده بود. این تجمع که طی دو روز قبل، توسط صدا و سیما و روزنامه های ارتجاعی کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی تبلیغ می شد، نوعی پاسخ به وقایع کوی دانشگاه بود. این راه پیمایی می بایست نقطه پایانی بر حوادث روزهای گذشته بگذارد. راه پیمایان با شعارهایی در حمایت از «ولایت فقیه» به دانشگاه تهران نزدیک می شدند. حاج بخشی با تفنگ دوربین دار خود و روح الله حسینیان سرپرست مرکز «انستاد انقلاب اسلامی» و انصاری از رهبران ارتجاع، در میان آنان دیده می شدند!

تاریخ های به یاد ماندنی: اشک تساح!

۱. دوشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۷۸ - «ولی فقیه» پس از هجوم ددمشانه و فاشیستی اعوان و انصارش می نالد: «حادثه تلخ و حمله به کوی دانشگاه قلب مرا جریحه دار کرد، حادثه غیر قابل قبولی در جمهوری اسلامی بود. جوانان این کشور، چه دانشجویان و چه غیر دانشجویان، فرزندان من هستند و هرکسی بوده فرق نمی کند، چه در لباس نیروی انتظامی و چه در غیر آن.»

و «یا آن طوری که نقل کرده اند، بعضی با آوردن نام مقدس «یا حسین» و «یا زهرا» وارد اتاق دانشجویان بشوند و او را از خواب بیرون بیاورند، با آن طور حوادثی را به وجود بیاورند، آیا درست است؟ اینها قلب مرا می فشارد!» و «فرض کنید اهانت به رهبری می کردند، باز هم باید صبر کنید، اگر عکس من را هم آتش زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید. برای من، مناط و ملاک راه خدا و راه امام و راه اسلام و حفظ کشور و رعایت مصالح مردم و حفظ آینده کشور مطرح است. بزرگترین آرزو و افتخار بنده این است که در این راه پرافتخار و پر فیض و بهجت جان خود را تقدیم کنم.» (صبح امروز، سه شنبه ۲۲ تیرماه ۱۳۷۸)

۲. سه شنبه ۲۲ تیرماه، (یک روز بعد)، «ولی فقیه» ماسک ریا،

ادامه کالبد شکافی عملکرد «رهبر» در برخورد با مبارزات ...

از چهره بر می‌گیرد و عریده سر می‌دهد: «ملت رشید و غیور ایران، مردم عزیز تهران! روز گذشته که جمعی از اشرار [منظور از اشرار همان جوانان، چه دانشجویان و چه غیر دانشجویان عزیز ایشان است] با کمک و همراهی برخی از گروهک‌های سیاسی ورشکسته و با تشویق و پشتیبانی دشمنان خارجی در سطح تهران، به فساد و تخریب اموال و ارباب و عریده جویی پرداخته و موجب سلب امنیت و آسایش مردم شده‌اند.» و «دشمنان زبون و حقیر اسلام و انقلاب گمان کرده‌اند، انقلاب و مردم مومن و انقلابی [البته منظور از مردم مومن و انقلابی همان اوباشان، چاقو کشتان گلت و قمه بدستان نظامی یا شخصی پوشان ایشان است] به آنان اجازه خواهند داد که با فتنه انگیزی خود، راه سلطه آمریکای جنایت کار را بر میهن عزیز ما هموار کنند.» و «به مسئولان در دولت و بخصوص مسئولان امنیت عمومی تاکید شده است که با درایت و قدرت، عناصر مفسد و محارب را بر جای خود بنشانند و بی شک کسانی که چشم به فتنه انگیزی این روسیاهان دوخته‌اند، مایوس خواهند شد. بخصوص، فرزندان بسیجی ام [چاقو کشتانی همچون سردار نظری و همان بسیجیانی که بعداً حجاریان را ترور کردند و ...]، باید آمادگی‌های لازم را در خود حفظ کنند و با حضور خود در هر صحنه‌ای که حضور آنان لازم است، دشمنان زبون را مرعوب و منکوب سازند.» (روزنامه صبح امروز، پنجشنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۷۸).

ماسک‌های دیگر بر چهره «رهبر»

۳. در دیدار با عده‌یی از دانشجویان مجروح کوی دانشگاه تهران: «انشاء الله موفق باشید (!). همین که گفتید آنها به نام دین، به نام یا زهرا، یا به نام همین نام‌های مقدس وارد شدند، به نظر من قدری روی همین نکته، از لحاظ ذهنی کار بشود (!)، یعنی باید دید که چه انگیزه‌هایی وجود دارد - آدم این جور حس می‌کند (!) - چون من باورم نمی‌آید که یک نفری در اتاق دانشجویی بیاید، بزند و بگوید تو یا زهرا، یا با رهبری دشمنی، پس بگیر، کتک بخور. من اصلاً باورم نمی‌شود. چنانچه بتوانم آن کسانی که این حرف را زدند، شناسایی کنیم - چون لابد همه شان که نگفتند، بعضی گفتند (!) - گمان می‌کنم بشود در او انگیزه دیگری را کشف کرد، حالا چه کسی کشف کند، یک حرف دیگر است (!)، چه وقت کشف کنند، درست کشف کنند، یا نکنند، آنها بحث‌های دیگر است (!). من یک وقت‌هایی در سخنرانی‌ها، مثال‌هایی برای این قضیه زده‌ام، دیگر حالا یک خرده خسته شده‌ام، حالم را ندارم که ادامه بدهم. اگر وقت دیگری آمدید، یادم بیاورید تا داستانی را برای شما بگویم (!). (روزنامه ایران، دوشنبه ۱۱ مرداد ماه ۱۳۷۸) ظاهراً دیگر دانشجویان مجروح ایشان را برای شنیدن داستان (!) «رهبر» به آنجا نگذاشتند، در هراس از این که نکند آنان را از همانجا، روانه زندان اوین و شکنجه و اعتراف به جاسوسی برای بیگانگان کنند! و آن «موضوع» هم با اجازه ایشان اصلاً که «کشف» نشد! هیچ، عاملان یک چیزی هم از دانشجویان طلب کار شدند! ظاهراً دانشجویان به خودشان حمله کرده بودند!

۴. در خطبه‌های بیستیمین سالگرد اقامه اولین نماز جمعه تهران: «فلسفه این انقلاب، آزادی است، آزادی بیان و آزادی فکر [!] [!] البته در این شکی نیست که فلسفه انقلاب شکوهمند بهمن آزادی بوده است ولی فلسفه «ولی فقیه» و مداحان او همچون مصباح بزدی فلسفه «عبودیت»، «بندگی» و تسلیم محض در حد ذوب در ولایت به اندیشه‌های قرون وسطایی است که می‌خواهد ایران را همچون افغانستان طالبان کند!» و «از مدتی پیش احساس می‌شد که مراکز عمده دشمنی با ملت ما، در انتظار حوادثی در ایران هستند. در سال گذشته رئیس سازمان جاسوسی کشور آمریکا در گزارشی گفت که در سال ۱۹۹۹ یعنی همین سال جاری مسیحی (!) در ایران انتظار حوادثی را دارم که در این ۲۰ سال گذشته تاکنون بی‌سابقه است. در واقع با این زبان نشان می‌داد که از چیزهایی پشت پرده مطلع است. از طرف دیگر، مارهای خزیده در سوراخ‌ها را در داخل، تشویق کردند که به میدان بیایند. تو سری خورده‌های سیاسی بالاتر از ورشکسته. از طرفی همه دستگاه‌هایی را که در صورت بروز یک فتنه می‌توانند جلوی آن را بگیرند، به تدریج مورد سؤال و ضربه قرار دادند، مثلاً سپاه پاسداران، دستگاه قضایی، بسیج، نیروی انتظامی و صدا و سیما (!). از طرف دیگر شبکه‌های جاسوسی را در داخل کشور تقویت کردند.» و «خیال کردند که کار را پیش برده‌اند، اما نیروی انتظامی با قدرت وارد شد. اما انصافاً نیروی انتظامی خوب به میدان آمد (!) بعد هم بسیج، آن نیروی اصلی و عظیم ملت ایران (!) با سازمان دهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وارد و به طور قاطع، مثل کاغذی که مجاله کند، دشمن را مجاله کردند [به عبارت روشن‌تر دانشجویان آزادی‌خواه و دیگر مبارزان راه آزادی دگراندیشان مذهبی، روزنامه نگاران دستگیر شده و اکثریت عظیم مردم که در انتخابات پاسخ خود را به این ترهات «ولی فقیه» دادند، عوامل آمریکا بودند که چاقو کشتان و انصار «ولی فقیه» با سازماندهی دقیق و از قبل تدارک دیده شده آنان را سرکوب و مجاله کردند!].» (روزنامه کیهان تهران، شنبه ۹ مرداد ماه ۱۳۷۸)

ولی باید گفت که، حنای «ولی فقیه» دیگر برای جوانان، و دختران و پسران دانشجو، و دیگر عدالت‌خواهان و مبارزان خلق‌های کشور ما، رنگی ندارد.

جوانان و دانشجویان دانشگاه‌های تهران، ۲۱ اردیبهشت ماه، ۲ و ۴ خرداد ۱۳۷۹ در تهران و ۱۶ خرداد در مشهد و در بسیاری از دیگر شهرهای ایران، پس از تمامی این سخنرانی‌ها، رجز خوانی‌ها و تهدیدهای «رهبر»، قهرمانانه فریاد سر دادند:

اکبر شاه اکبر شاه، مرگ بر شاه

جنتی جنتی تو دشمن ملتی!

علی فلاحیان اعدام باید گردد!

انصارهای لعنتی مزدورهای جنتی!

یک ملت، یک دولت، آن هم به رای ملت!

دانشجو، جامعه، اتحاد، اتحاد!

تاریخ با قدرت به پیش می‌رود، و رژیم استبدادی «ولایت فقیه» را زیر چرخ دنده‌های خود خرد می‌کند! هیچ نیروی سرکوبگر و سپاه کاری تاب ایستادگی در برابر این حرکت عظیم تاریخی را ندارد! پیروز باد اتحاد و پیوند استوار دانشجویان و تمامی مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی!

ادامه کنفرانس مهم احزاب

تجدید نیروی احزاب کمونیست - کارگری و چپ در کل دانست. او تاکید کرد: «این امر نمایش دهنده این واقعیت است که نه ایده آل‌های کمونیستی از بین رفته‌اند و نه ظرفیت عمل بر ضد نظم جهانی امپریالیستی حاضر.» به گفته رفیق کوبایی «موضوعی که ما را اینجا گرد هم آورده است، از اهمیت فراوانی برخوردار است. حتی نیروهای امپریالیستی نیاز به اتحادها و همکاری را درک می‌کنند و چپ در مورد توسعه به پاسخ مشترک و هماهنگی در مقابل چالش‌های جاری نیاز دارد.»

کنفرانس احزاب کمونیست، پس از دو دوره بحث و تبادل نظر در روز ۵ تیرماه، به کار خود خاتمه داد. احزاب شرکت‌کننده با تاکید بر لزوم ادامه اجلاس‌های بین‌المللی در باره امکان سازمان دهی جلساتی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین جهت فراهم آوردن شرکت‌های حزبی که امکان شرکت در اجلاس آتن را نداشته‌اند، مطالعاتی انجام دادند. به منظور تشدید مبارزه بر ضد ساختارهای امپریالیستی، کنفرانس از پیشنهاد چندین حزب کمونیست و به ویژه حزب کمونیست جمهوری بوهم و مورواوی برای تدارک شرکت موثر کمونیست‌ها در تظاهرات بر ضد اجلاس سازمان تجارت جهانی در ماه سپتامبر در پراگ استقبال کرد.

حزب توده ایران، کنفرانس آتن را به عنوان گامی مهم در احیاء ساختاری، و هماهنگی جنبش کارگری - کمونیستی جهان ارزیابی می‌کند. حزب توده ایران در تمامی ابتکارات اصلی در جهت تجدید همکاری و هماهنگی بین‌المللی از سوی احزاب برادر و نیروهای مترقی جهان، که در یک دهه گذشته برگزار شده، شرکت فعال داشته و نقطه نظر کمونیست‌های ایران را نمایندگی کرده است و بر این پایه از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. استقبال احزاب کمونیست - کارگری از تحلیل حزب ما در باره مسایل ایران و نقطه نظرات ما پیرامون موضوعات کنفرانس و همبستگی آنان با مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان کشور ما ریشه در این اعتبار دارد. رهبران پنجاه و شش حزب کمونیست - کارگری جهان، ضمن بیان این حقیقت که در دهه‌های گذشته همیشه در کنار مردم ایران و مدافع مبارزات آنها بوده‌اند، بیانیه مشترک جامعی در حمایت از جنبش مبارزاتی کنونی مردم کشورمان در راه دموکراسی و عدالت اجتماعی تصویب کردند.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در جریان کنفرانس توانست نشست‌های ویژه‌ای را با رهبری حزب کمونیست یونان، عراق، آمریکا، آفریقای جنوبی، اردن، سوریه، قبرس، نیبال و سودان برگزار کند، و راه‌های گوناگون توسعه روابط با آنان را بررسی کند. کنفرانس بین‌المللی آتن یکی از مهم‌ترین نشست‌های احزاب کارگری و کمونیستی جهان در سال‌های اخیر بود و موفقیت چشمگیر آن نوید بخش آغازی نو در روابط احزاب مترقی جهان، و همکاری هرچه بیشتر آنها در نبرد با سرمایه داری جهانی است.

ادامه کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری ...

میزبانی این اجلاس را به عهده داشت، در کنفرانس حضور یافت و در بحث های آن شرکت فعال کرد.

کنفرانس با سخنرانی «آلگا پاپاریگا»، دبیر کل حزب کمونیست یونان، کار خود را آغاز کرد. رفیق «پاپاریگا»، ضمن توصیف مختصات بسیج مردمی در سال های اخیر بر ضد «جهانی شدن» سرمایه داری جهانی، به تظاهرات بزرگ و موفقیت آمیز ائتلاف نیروهای مردمی در «سیاتل»، «داوس» و «واشنگتن» اشاره کرد. رهبر حزب برادر ابتکار گروه ۷۷، گسترش ابعاد مبارزه در کلمبیا، و شماری از کشورهای آمریکای لاتین، بسیج خلق ها بر ضد ناتو و جنگ امپریالیستی بر ضد یوگسلاوی، تشدید مبارزات در فلسطین، قبرس، اوکراین، آفریقای جنوبی و در همه قاره آمریکا، را نشانه هایی از یک مبارزه گسترده جهانی ارزیابی کرد. رفیق «پاپاریگا» گفت: «موضوع اتحادهای سیاسی احزاب کمونیست - کارگری که به طور جدایی ناپذیری، نه فقط به مبارزه روزانه آنها بلکه به هدف نهایی ما سوسیالیسم، پیوند خورده است، امروز بیشتر موضوعیت پیدا کرده است.» او سیاست اتحادها را پاسخی به این سؤال دشوار دانست که چگونه مردم می توانند در مقابل سیاست های امپریالیستی مقاومت کرده و با آن برزند. رفیق «پاپاریگا» گفت: «سیاست اتحادها به طور غیر قابل گسستی به این مسأله مهم استراتژیک که ما چگونه به یک دوره ایجاد و گسترش جنبش های اجتماعی قدرت مند، جنبش های انقلابی گذر خواهیم کرد، ارتباط دارد.» او با اشاره به حملات ایدئولوژیک و سیاسی نیروهای راست و سرمایه داری به سیاست ائتلاف و اتحاد حزب کمونیست یونان از زوایای مختلف، هدف این تهاجم را منزوی ساختن حزب کمونیست یونان دانست. رهبر حزب کمونیست یونان خاطر نشان ساخت: «چند سال پیش آنها ما را متهم می کردند که تنها عمل می کنیم. امروزه که گرایش های مثبت جدیدی در سیاست اتحادها دیده می شود، زیر حمله هستیم که گویا ما اتحادهای بدی ایجاد کرده ایم. ما به یک مرحله حمله - کمدی رسیده ایم. چرا که دشمن طبقاتی ما را متهم می کند که اتحادهای صورت پذیرفته، مشخصه های کمونیستی ما را خدشه دار می کند. احزاب بورژوازی و ساختارهای آنها می خواهند که ما مطلقاً در حاشیه بمانیم و یا در اتحادهایی شرکت کنیم که مورد توافق آنها است، تا بتوانند ما را تحت کنترل داشته باشند.» رفیق «پاپاریگا» در انتهای سخنرانی خود اعلام کرد: «اتحاد ها، آری! هیچ راه دیگری وجود ندارد. اما مسأله این است که اتحاد با کی، در چه جهتی و با چه منظوری.»

در ادامه کنفرانس، نمایندگان احزاب، با تکیه بر تجربه مبارزات خلق ها در کشورهای خود به تشریح سیاست های اتحادها و نیز پیشنهادات در مورد اشکال مناسب همکاری و هماهنگی متقابل بین المللی پرداختند. در سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، که بخش هایی از آن در همین شماره نامه مردم منتشر شده است، ضمن بررسی تحولات اقتصادی- اجتماعی در کشور، رشد جنبش مردمی در سال های اخیر مورد توجه قرار گرفت. در این سخنان نقش واقعی نیروهای سیاسی مختلف در جنبش اصلاح طلبی و برخی پیچیدگی های وضعیت حاکم در کشور و اهمیتی که حزب توده ایران برای توسعه جنبش جوانان و دانشجویان، کارگران و زنان قایل است، برای احزاب برادر توضیح داده شد. در آخرین بخش سخنرانی نماینده حزب، پس از توضیح سیاست اتحادها، لزوم حیاتی ایجاد اشکال موثر همکاری و هماهنگی بین المللی در بین احزاب کمونیست و کارگری مورد تأکید قرار گرفت.

بسیاری از سخنرانان نیاز به ادامه جلسات بین المللی و ارتقاء کیفی آن را مطرح کرده و ضمن توجه به وضعیت دشوار و پیچیده بین المللی و داخلی نقش پراهمیت تبادل تجربه و نظر را در مبارزه احزاب کمونیستی - کارگری به عنوان نیروهای سیاسی فعال در تحولات در همه قاره های جهان تصریح کردند. نماینده حزب کمونیست ویتنام در سخنان خود اظهار داشت: «احزاب ما تحت شرایط و وضعیت های گوناگونی مبارزه می کنند و هر دستاوردی در مبارزه برای صلح،

استقلال ملی و وظایف ملی و بین المللی برای هر کدام از ما، سهمی ثمر بخش در مبارزه مشترک همه مردم جهان در راه صلح، استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی خواهد داشت. ما بر این باوریم که همکاری و هماهنگی عمل بین احزاب کمونیستی و کارگری عامل مهمی خواهد بود در کمک به پیروزی مبارزات ملی و طبقاتی، که در عرصه جهان در جریان است. به نظر ما، در شرایط حاضر، نیاز به یافتن طرق موثرتر هماهنگ کردن کوشش هایمان در عرصه های مشخص داریم. ضروری است که با توجه به تنوع وضعیت ها و مشخصه های احزاب مختلف، به انتخاب های مختلف احترام گذاشته شود. ما از همه کوشش ها در جهت ارتقاء همکاری بین احزاب چه در شکل دوجانبه و چه چند جانبه و چه به صورت منطقه ای و یا بین المللی، حمایت می کنیم.»

رفیق بلید نریمانده، دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی، در سخنرانی خود پس از توضیح این نکته که در پایان قرن بیستم شکست سرمایه داری را در حل پایه ای ترین مشکلات و نیازهای میلیون ها نفر مردم عادی در سراسر جهان شاهد بوده ایم، سیاست های اتحادها را مورد توجه قرار داد و گفت: «ممکن است بسیاری از نیروهایی که بر ضد بربریت کاپیتالیستی مبارزه می کنند، خود را سوسیالیست قلمداد نکنند، ولی حزب کمونیست آفریقای جنوبی معتقد است که ما در اساس در یک سنگریم. ما اعتقاد داریم که قرن آتی شاهد وحدت اخلاقی و سیاسی بیشتری بین همه این نیروها و شخصیت هایی است که روش های پایه ای برابری انسانی، آزادی، همبستگی، پیشرفت اجتماعی، صلح و عدالت اقتصادی را گرامی می دارند. ما باید از این لحظه تاریخی آغاز یک دهه و یک قرن جدید همچون فرصتی برای پیشبرد این مبارزات، از جمله محو نابرابری بر پایه جنسیت و نژاد استفاده کنیم. ما در حالیکه با قشری گری و زیاده روی هایی که به نام مارکسیسم - لنینیسم انجام شده اند، مرزبندی می کنیم، باید به طور پویا و منتقدانه به مارکسیسم - لنینیسم مراجعه کنیم. نقدها، تحلیل ها و ماهیت انقلابی مارکسیسم - لنینیسم را مطالعه کنیم، یاد بگیریم، گسترش دهیم و گوهر و صحت ارثیه تئوریک و متنوع خودمان را مجدداً تأیید کنیم. این امر به معنی ارزیابی خودمان بر پایه تجربیات صد و پنجاه سال گذشته است.»

اولگ شنین، صدر شورای احزاب کمونیست در جمهوری های سابق شوروی، در سخنرانی خود، ضمن اشاره به شکست های دهه پیشین، اعتقاد خود را به اینکه سوسیالیسم از دستور کار کوتاه مدت طبقه کارگر خارج نشده است، گفت: «شکست موقت سوسیالیسم برخی سردرگمی ها را در صفوف کمونیست ها ایجاد کرد، و لی این سردرگمی ها در شرف پایان است. ما در شرف ورود به دوران جدیدی هستیم، دوران احیاء جنبش بین المللی کمونیستی، دوران مبارزه فعال برای پیروزی سوسیالیسم. آنچه که در این مرحله اهمیت بسیار عمده ای پیدا می کند، عوامل ذهنی است. یعنی رهبری فعال و هدایت مبارزه انقلابی توسط احزاب کمونیست کارگری.»

اولگ شنین، در رابطه با سیاست اتحادهای احزاب کمونیستی، ضمن بیان گریز ناپذیری از آن گفت: «باید درک مارکس از این مفهوم را به یاد بیاوریم. برای خاطر هدفی که در سیاست پیش رو داری می توانی حتی با شیطان هم اتحاد کنی، و لی باید همیشه مطمئن باشی که این توهستی که شیطان را گول می زنی و نه بر عکس.» بسیاری از سخنرانان کنفرانس، با تأکید بر فاصله افزایش یابنده بین «شمال، جنوب»، لزوم مبارزه توده ای بر ضد ساختارهای سرمایه داری، نظیر صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی را مورد تأکید قرار دادند. نماینده حزب کمونیست کوبا در سخنان خود به اقدامات دولت انقلابی در کشور خود اشاره کرد و گفت: «گردهمایی گروه ۷۷ در آوریل گذشته در هاوانا، گامی مناسب در ایجاد هماهنگی بین کشورهای «جنوب» بود. رفیق فیدل کاسترو در سخنان خود خطاب به گردهمایی نیاز به نابود کردن موسسات مونتاریستی بین المللی کنونی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که تحمیل کننده سیاست های نولیبرالی اند، و عدم ثبات و مشکلات اجتماعی برای کشورهای جنوب ایجاد می کنند، اشاره کرد و ایجاد ساختارهای جهانی که در خدمت منافع ملی کشورهای جهان سوم باشند، را مورد تأکید قرار داد.»

رفیق کوبایی، با اشاره به تعداد قابل توجه احزاب شرکت کننده در اجلاس، آن را نه فقط نمایشگر علاقه به این ابتکار مهم در برگزاری کنفرانس، بلکه بخود آیی و

ادامه در صفحه ۷

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:587

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

10 July 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک